

امیر کبیر و دیدگاه‌ها

تألیف:

محمود حاکمی



اسنادات اردن

سرشناسه	: حکیمی، محمود، ۱۳۲۳
عنوان و نام پدیدآور	: امیرکبیر و دیدگاه‌ها / نویسنده: محمود حکیمی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۴۳۲ ص.
شابک	: ۶ - ۶۸۱ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: امیرکبیر، تقی، ۱۲۲۰ - ۱۲۶۸ ق.
موضوع	: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۲۵۰ ق.
موضوع	: Iran- History- Qajars. 1779- 1834
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ الف ۸ ح / ۱۳۸۵ DSR
رده‌بندی دیوین	: ۹۵۵ / ۰۷۴۰۹۲
شماره کتابخانه ملی	: ۵۵۶۶۵۶۱



امیرکبیر و دیدگاه‌ها

مؤلف: محمود حکیمی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ صدف: ۱۲۰۰ نسخه

۶۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arannashr.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
------------	----

فصل اول

تاریخ سلسله قاجاریه

از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه.....	۱۹
تأسیس سلسله قاجاریه.....	۱۹
لشکرکشی به قفقاز.....	۲۴
به پادشاهی نشستن آقامحمدخان.....	۲۵
آقامحمدخان و شاهرخ میرزا.....	۲۶
آقامحمدخان و امرای افغانستان.....	۲۷
اخلاق و رفتار آقامحمدخان.....	۲۹
تظاهر به دینداری.....	۲۹
بیرحمی حتی با نزدیکان.....	۳۰
خست و لثامت.....	۳۰
حق ناشناسی آقامحمدخان.....	۳۱
فتحعلی شاه قاجار.....	۳۱
ولایتعهدی عباس میرزا و وزارت قائم مقام اول و دوم.....	۳۲
تلاش برای بازسازی ارتش ایران.....	۳۳
روابط ایران و روسیه.....	۳۶
جنگ دوم ایران و روسیه.....	۳۹
آغاز جنگ.....	۴۱

۴۳.....	قتل گریبایدوف.....
۴۴.....	روابط ایران و عثمانی.....
۴۷.....	فتحعلی‌شاه و مسئله هرات.....
۴۸.....	روابط ایران و فرانسه.....
۵۲.....	روابط ایران و انگلستان.....
۵۳.....	میرزا ابوالحسن خان ایلچی در لندن.....
۵۶.....	اخلاق و رفتار فتحعلی‌شاه.....
۵۸.....	سلطنت محمدشاه.....
۵۹.....	قتل قائم‌مقام.....
۶۳.....	حاجی میرزا آسائی.....
۶۶.....	روابط ایران و عثمانی در عصر محمدشاه.....
۶۸.....	نقش امیرکبیر در کنفرانس ارزنة‌الروم.....
۷۱.....	محمدشاه و آغاز فتنه سالار.....
۷۵.....	محمدشاه و مسئله هرات.....
۷۸.....	شورش فرقه اسماعیلیه.....
۷۸.....	فتنه باب.....
۷۹.....	مرگ محمدشاه.....
۷۹.....	پادشاهی ناصرالدین‌شاه.....
۸۰.....	اصلاحات اجتماعی امیرکبیر.....
۸۲.....	روس‌ها و شیلات، آشوراده و.....
۸۶.....	امیرکبیر و رجال صاحب قدرت.....
۸۷.....	پیشرفت جامعه ایران در عصر امیرکبیر.....
۸۹.....	عزل امیرکبیر.....
۸۹.....	قتل امیر.....

فصل دوم

داستان‌هایی از دوران صدارت امیرکبیر

۹۳.....	وام گرفتن از بیگانگان بسیار مصیبت‌بار است.....
۹۴.....	خانه خود را به شما می‌بخشم.....
۹۵.....	دلک‌ها اعلیحضرت را می‌خنداند.....
۹۶.....	روزنامه باید مردم را از حقوقشان آگاه نماید.....
۹۷.....	امنیت و عدالت باید اینگونه باشد.....
۹۷.....	باید جنس ایرانی مصرف کرد.....

- ۹۸.....حکومت به شما دادن چراغ دم بادهادن است
- ۹۹.....اسب را نگاه دارید تا صاحب آن پیدا شود
- ۹۹.....این لقب‌سازی‌ها را کنار بگذارید
- ۱۰۰.....رشوه‌گیر باید مجازات شود
- ۱۰۱.....فرمان تاریخی امیر به حاکمان شهرها: شکنجه کردن ممنوع
- ۱۰۲.....ما هم معامله‌به‌مثل خواهیم کرد
- ۱۰۲.....ضرورت تحول در چاپارخانه‌ها
- ۱۰۳.....خان چه می‌کند؟ خان می‌چشد
- ۱۰۴.....اگر به شراب لب تر کرده بودی سرت بر باد می‌رفت
- ۱۰۴.....از ترس گیلان شراب را خالی کردم
- ۱۰۵.....مقصود از داشتن آنها ایمنی راه است
- ۱۰۵.....روزی که امیرکبیر به شدت گریست
- ۱۰۷.....حقوق پادشاه نباید بیش از این باشد
- ۱۰۸.....احترام امیر به کشورزنان
- ۱۰۹.....رشوه‌گیری گناهی بزرگ است
- ۱۱۰.....باید به درستکار پاداش دهی
- ۱۱۰.....رسم سفیر روس
- ۱۱۱.....آزادی عقاید دینی

فصل سوم

امیرکبیر از دیدگاه فرزندان

- ۱۱۶.....میرزاتقی خان امیرکبیر
- ۱۱۷.....صدارت
- ۱۱۹.....دارالفنون
- ۱۲۱.....اثرات اقدامات امیرکبیر
- ۱۲۱.....سرانجام دردناک میرزاتقی خان امیرکبیر
- ۱۲۲.....چرا میرزاتقی خان شهید شد؟
- ۱۲۳.....اثرات اجتماعی و سیاسی مأموریت‌های امیرکبیر
- ۱۲۸.....ثبات و امنیت ایران در زمان صدارت امیرکبیر
- ۱۲۹.....ثبات و امنیت ایران در دوره قاجار
- ۱۳۱.....۱- امنیت داخلی
- ۱۳۴.....۲- ثبات و امنیت خارجی
- ۱۳۶.....امیرکبیر فرزند خلف ضداستعمار ملت ایران

۱۳۸		اوضاع ایران در آغاز صدارت امیرکبیر
۱۳۹		نخستین سفر امیرکبیر به فرنگ
۱۴۰		توطئه‌ها علیه میرزاتقی خان
۱۴۵		اصلاحات اقتصادی
۱۴۶		وصلت خانواده سلطنتی با امیر
۱۴۷		امیرکبیر و درباریان
۱۴۸		پاکدامنی و شرافتمندی امیرکبیر
۱۴۹		امیرکبیر و افغانستان
۱۵۱		شیلات دریای مازندران
۱۵۳		اندیشه دارالفن ایران
۱۵۵		نخستین روزنامه
۱۵۶		تأسیس پست
۱۵۷		پایان دفتر و عزل امیرکبیر
۱۵۸		تبعید به کاشان
۱۶۱		امیرکبیر و اصلاحات
۱۶۲		اصلاحات نظامی، مالی و فرهنگ
۱۶۲		اصلاحات حقوقی و قضایی
۱۶۵		اصلاحات پس از قتل امیرکبیر
۱۶۷		ایجاد دیوان مظالم و نصب صندوق عدل
۱۶۸		تدوین قوانین
۱۶۸		انجام کار امیرکبیر
۱۶۹		ارزیابی نهادگرا از تجربه اصلاحات میرزاتقی خان امیرکبیر
۱۷۴		امیرکبیر پیشگام اصلاحات عصر جدید
۱۷۸		الف- ناسیونالیسم، دولت ملی و حاکمیت سیاسی
۱۷۹		ب- حرکت سازندگی و آغاز مدرنیزاسیون
۱۸۱		سیاست‌های اقتصادی امیرکبیر
۱۸۳		اصلاحات مالی
۱۸۵		توسعه کشاورزی
۱۸۸		ایجاد صنایع جدید
۱۹۱		توسعه بازرگانی
۱۹۳		امیرکبیر و پروژه ناتمام دولت- ملت‌سازی
۱۹۴		بیوگرافی
۱۹۵		شرایط اجتماعی- سیاسی قبل از صدارت
۱۹۵		ساختار سیاسی شاهنشاهی

۱۹۸	پیدایش تدریجی تغییرخواهی در برخی افراد و گروه‌های اجتماعی
۲۰۰	امیرکبیر چگونه امیرکبیر شد؟
۲۰۱	اصلاحات سیاسی یا پروژه دولت - ملت‌سازی
۲۰۷	نتیجه‌گیری
۲۰۸	نقش امیرکبیر در توسعه علمی و فرهنگی
۲۰۹	اول - مطالعات تاریخی و ادبی امیر
۲۱۰	دوم - سفرهای امیر
۲۱۱	شکستن بست‌ها و بست‌نشینی
۲۱۳	سهم امیرکبیر در توسعه اقتصادی
۲۱۵	تأمین بودجه دولت
۲۱۶	مبارزه با سوءتفاهم‌های اداری
۲۱۸	تأمین امنیت قضایی مردم
۲۱۹	اقدامات زیربنایی و اقتصادی
۲۲۰	اقدامات اجتماعی و فرهنگی
۲۲۱	شخصیت فردی امیر
۲۲۳	غروب امیر
۲۵۱	ضمیمه
۲۵۴	راز ماندگاری امیرکبیر
۲۵۴	خداباوری و دینداری
۲۵۵	برخورد عزتمندانه با بیگانگان
۲۵۷	ترجیح کالاهای وطنی
۲۵۸	مبارزه با دست‌نشانندگان بیگانه
۲۶۰	عدالت قضایی
۲۶۰	سختگیری بر مأموران خاطی
۲۶۱	شکلبایی دینی امیرکبیر
۲۶۳	امیرکبیر و مسیحیان
۲۶۴	امیر و طایفه صابی
۲۶۴	بنای مدرسه دارالفنون

فصل چهارم

مبارزه امیرکبیر با دخالت بیگانگان

۲۷۳	پاسخ دلیرانه امیر به وزیرمختار انگلیس
۲۷۴	از بیگانگان نباید وام بگیریم

۲۷۵	من فقط خدمتگزار مردم ایران هستم
۲۷۶	لغو کاپیتولاسیون
۲۷۸	مناسبات ایران و روسیه
۲۸۰	چرا عصبانی هستید آقای سفیر؟
۲۸۱	کشک و بادنجان خورده‌ای؟
۲۸۲	مدرسه اجنبی باید تعطیل شود
۲۸۳	در امر شیلات ایران دخالت ممنوع

فصل پنجم امیرکبیر و دارالفنون

۲۸۶	طرحی از چهره امیرکبیر بر آداب پارسی
۳۰۰	اهمیت امیرکبیر در تاریخ ایران
۳۱۵	یادگارهایی از دارالفنون قدیم
۳۲۳	بنای دارالفنون
۳۳۰	روزنامه‌نگاری در عهد امیرکبیر
۳۳۶	نامه‌های موجود از امیرکبیر
۳۴۷	تهرانی که امیرکبیر در آن می‌زیست
۳۵۰	ارگ تهران
۳۵۱	دارالفنون و امیرکبیر
۳۵۱	چرا دارالفنون تأسیس شد؟
۳۵۲	تفاوت نظر امیر با مسئولان قبل
۳۵۲	اثر مشاهدات پترزبورگ در امیر
۳۵۲	انتخاب محل و آغاز بنا در ۱۲۶۶ و اعزام مأمور برای جلب معلم
۳۵۳	نام اولیه مدرسه
۳۵۳	مواد درسی
۳۵۴	دارالفنون و وزارت خارجه
۳۵۵	نظامت هدایت و نتایج آن
۳۵۵	شاگردان دارالفنون در لشکرکشی هرات
۳۵۶	آغاز توقف و انحطاط مدرسه و علت آن
۳۵۶	معلمان ایتالیایی و فرانسوی
۳۵۶	مترجمان دروس
۳۵۷	استفاده از اصطلاحات قدیم برای ترجمه یا تألیف جدید
۳۵۷	مقابله فارسی با زبان فرانسه

۳۵۸.....	نتیجه وحدت اصطلاح میان قدیم و جدید.....
۳۵۸.....	جلب فضیلتی طلاب از مدارس قدیم به درس جدید.....
۳۵۸.....	تفاوت ترجمه امروز و دیروز.....
۳۵۹.....	رابطه امیر کبیر با رجال عصر خود.....

فصل ششم

امیر کبیر از دیدگاه خارجیان

۳۶۵.....	۱- امیر کبیر از دیدگاه لیدی شیل.....
۳۶۶.....	اکتبر ۱۸۴۹ میلادی.....
۳۶۷.....	نوامبر ۱۸۴۹.....
۳۶۸.....	ژوئیه سال ۱۸۵۰.....
۳۶۹.....	ژانویه ۱۸۵۰.....
۳۷۰.....	فوریه ۱۸۵۰.....
۳۷۱.....	مارس ۱۸۵۰.....
۳۷۲.....	نوامبر ۱۸۵۱.....
۳۷۴.....	لباس ماتم بر تن بیوه امیر.....
۳۷۵.....	۲- امیر کبیر از دیدگاه رابرت واتسون.....
۳۷۶.....	اشرف مخلوقات.....
۳۷۶.....	نیکبختی مردم ایران و هدفی از آن عالی‌تر.....
۳۷۶.....	لفظ نامشروع مداخل.....
۳۷۷.....	رهبری کشتی دولت.....
۳۷۷.....	دخالت در امور ایران.....
۳۷۷.....	وظیفه مقدس.....
۳۷۸.....	حذف القاب را از خود شروع کرد.....
۳۷۸.....	یک دوره بسیار درخشان.....
۳۷۸.....	نجات طبقه روستایی.....
۳۷۸.....	افکار روشن امیر.....
۳۷۹.....	تهمت و افترا.....
۳۷۹.....	تفاوت عظیم بین امیر و میرزا آقاخان.....
۳۸۰.....	همسر وفادار امیر.....
۳۸۱.....	قلب امیر از ضربان اقتاد.....
۳۸۲.....	۳- امیر کبیر از دیدگاه دکتر ادوارد پولاک.....
۳۸۲.....	مخالفت با هر نوع نفوذ خارجی.....

اصلاحات امیر	۳۸۴
پس از شهادت امیر	۳۸۷
مساعدتترین کشور برای جاده‌سازی	۳۸۹
فضول کیست؟	۳۹۰
مورخان درباری از دیدگاه پولاک	۳۹۱
۴- امیرکبیر از دیدگاه رابرت کرزن	۳۹۲
۵- امیرکبیر از دیدگاه ژنرال فریه	۴۰۳
مقدمه	۴۰۵
۶- امیرکبیر از دیدگاه کنت دو گوینو (وزیرمختار سفارت فرانسه در ایران)	۴۱۴
مقدمه مترجم	۴۱۴
تهران - ۱ فریه ۱۸۵۶	۴۱۷
منابع و مأخذ	۴۲۷

مقدمه

اکنون دوست دارم به همراه شما به دیدار بزرگمرد تاریخ ایران رویم. از سال ۱۳۹۰ که به من آگاهی دادند که کتاب *داستان‌هایی از زندگانی امیرکبیر* به چاپ چهارم رسیده است تصمیم گرفتم اثر دیگر را راجع به این بزرگمرد تاریخ با استفاده از آثار مورخان و پژوهشگران بنویسم و اکنون آن کتاب را به شما تقدیم می‌کنم.

خواننده ارجمند

هدف از جمع‌آوری مقالاتی از زندگانی امیر، قهرمان مازنی نیست. امیر به‌راستی یک قهرمان بود و در جامعه‌ای ظهور کرد که سلطان وسیله‌ای شده بود برای شاهزادگان و رجال درباری برای به‌دست آوردن ثروت هرچه بیشتر. شاعران با اشعاری سراسر دروغ در عظمت سلطان می‌سرودند، رشوه‌خواری دیگر عملی زشت شمرده نمی‌شد؛ زیرا که به آن مداخل می‌گفتند. ریاکاری و دروغ در دربار وسعت بسیار داشت و بسیار زشتی‌های دیگر. امیر خود به‌خوبی می‌دانست که پیکار با آن همه زشتی‌ها کاری است دشوار. اما او تصمیم خود را گرفته بود. پیکار با هرگونه زشتی.

این‌بار قبل از بیان شجاعت و دلاوری امیر در شکل داستان‌هایی واقعی و راستین، خلاصه‌ای از تاریخ سلسله قاجاریه را نیز آوردم. مطالعه این تاریخ به‌خوبی نشان می‌دهد که امیرکبیر در چه جامعه‌ای به مبارزه با فساد برخاست.

به دنبال پنج کتابی که تا سال ۱۳۹۵ درباره امیرکبیر از من منتشر شد نامه‌های بسیار دریافت کردم. در میان نامه‌های سپاس و تشکر، تعدادی نامه‌های انتقادآمیز نیز بود که نوشته بودند درباره شخصیت وی افراط کرده و نقاط ضعف امیر را ننوشته‌اید. در پاسخ آنها نوشتم چنین نیست در یکی از آن آثار از برخی نامه‌های امیر به ناصرالدین‌شاه انتقاد کرده‌ام و اقدام امیر را که همسر او را طلاق داد و با خواهر ناصرالدین‌شاه ازدواج کرد کار درستی ندانسته‌ام اما این دو اقدام نمی‌توانند موجب شوند که اقدامات شجاعانه او را در ارزنة‌الروم و در دوران صدراعظمی اقدامات کوچکی بدانیم.

یکی از منتقدان هم نوشته بود که چرا از قائم‌مقام صدراعظم شجاع قبل از امیر مطلبی ننوشت‌اید. این انتقاد را پذیرفتم و در کتاب حاضر به‌طور خلاصه گزارشی از شیوه حکومت وی را در قتل ناجوانمردانه او را هم آورده‌ام. امیدوارم که روزی بتوانم درباره قائم‌مقام هم کتابی هم منتشر کنم.

در کتاب حاضر از دیدگاه‌ها و داوری‌های بسیاری از پژوهشگران ایران و حتی برخی از سیاستمداران کشورهای خارجی درباره میرزاتقی‌خان امیرکبیر آشنا می‌شوید. در فصل مربوط به دیدگاه‌ها و داوری‌های فرزانگان ایران بیشتر از انسان‌دوستی و راز ماندگاری امیر و اثرات اجتماعی اصلاحات به بحث شده است. در این فصل از من درباره «شکیبایی دینی امیرکبیر» مقاله‌ای خواهم خواند زیرا اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که امیر ضمن علاقه‌ای که به اسلام ایران و رسول اکرم (ص) و اهل بیت علیهم‌السلام داشت، آزار رساندن به پیروان دین و مذهب و عهده‌ای را گناهی بزرگ می‌دانست و این از آگاهی دینی و آزاداندیشی وی حکایت می‌کند. دوست دارم به چهار مورد دیگر درباره این کتاب اشاره کنم:

اول: امیرکبیر از دوران نوجوانی علاقه بسیار به قرآن کریم داشت و پس از هر نماز قرآنی را به‌دست می‌گرفت. ابتدا آن را می‌بوسید و سپس برای لحظاتی چند آن را روی قلب خود می‌گذاشت و آنگاه آیاتی از قرآن را آهسته تلاوت می‌کرد.

زمانی در یکی از سفرها به خارج کشور یک نفر از همراهان دلیل آن همه عشق و علاقه و پایان‌ناپذیر او را به قرآن پرسیده بود و او ضمن بیان ارزش و اهمیت تمام آیات این کتاب آسمانی اشاره کرده بود که قرآن به جان و حیثیت تمام انسان‌ها اهمیت

بسیار داده است و آنگاه اشاره‌ای داشته است به آیه ۳۲ از سوره مائده که خداوند بزرگ می‌فرماید که کشتن یک انسان بی‌گناه مانند کشتن همه انسان‌هاست.

و تنی چند از یاران امیر گفته‌اند که هرگاه در جلسه‌ای سخن از جنایات سپاهیان چنگیز، تیمور، سلطان محمود غزنوی و یا سپاهیان آقامحمدخان قاجار به میان می‌آمد او بی‌اختیار بر خود می‌لرزید و هرگاه از نابینا ساختن بسیاری از مردم کرمان توسط سپاهیان آقامحمدخان قاجار و به فرمان او انجام گردید سخن گفته می‌شد امیرکبیر اشک می‌ریخت و به راستی کدام انسان پاک‌نهاد از هر مذهب و فرقه و جمعیتی است که قتل عام‌ها و کشتار و کور کردن‌ها را بخواند و یا بشنود و در غم و اندوه فرو نرود و مخصوصاً اگر او را می‌شنید یا می‌خواند که صاحب قدرتی ستمگر خود را مسلمان معرفی می‌کرد ولی از قتل عام انسان‌ها باکی نداشت سخت دچار تأسف می‌شد او بارها می‌گفت:

«یک شیعه پاک‌بهد که عاشق و پیرو اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد امکان ندارد که حتی به کشتن یک انسان بی‌گناه رضایت دهد؛ زیرا که قلب‌های اهل بیت پیامبر اسلام (ص) سرشار از مهرورزی و محبت است»

دوم: در حکومت‌های استبدادی، صاحب قدرت برخی از شاعران و خطیبان را به خدمت می‌گیرد که از عدالت او شعر بسرایند و سخن بگویند. امیرکبیر می‌دانست که آقامحمدخان قاجار ستمگری بی‌پاک بود و در تمام به شهرها هزاران انسان بی‌گناه را به قتل رساند و از کور کردن صدها انسان نیز پاک‌بهد و شگفت‌آور اینکه شاعران درباری از آن همه بیرحمی او سخن نمی‌گفتند و متأثر از امیرکبیر هم آنچنان قدرتی نداشت که شاعران چاپلوسی را از ستایش شاهان قاجار مخصوصاً ناصرالدین‌شاه باز دارد. سوم: روزنامه‌نگاران پس از شاعران درباری معمولاً به ستایش و تخریب می‌پردازند اما امیرکبیر بنیانگذار روزنامه وقایع اتفاقیه اجازه نداد که نویسندگان به تعریف و تمجید از او و اقداماتش بپردازند او عقیده داشت که وظیفه نویسندگان یک روزنامه آشنا ساختن خوانندگان با حقوق اجتماعی مردم است. او حتی به جز دو یا سه مورد که بسیار ضروری بود اجازه نداد که نویسندگان در روزنامه وقایع اتفاقیه نامی از او ببرند. او عقیده داشت که نویسندگان یک روزنامه دولتی ابتدا یک لقب و سپس سه یا چهار لقب قبل از نام او به کار می‌برند و سپس رقابتی بین نویسندگان به وجود می‌آید و زمانی می‌رسد که القاب

یک صاحب قدرت به دو یا سه سطر می‌رسد. در دوران میرزا آقاخان نوری جانشین امیرکبیر چنین شد و القاب صدراعظم به سه سطر و القاب اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه به پنج سطر می‌رسد.

چهارم: در دوران استبداد تاریخ‌نگاران درباری زیباترین واژه‌ها را به‌همراه تحریف وقایع نثار پادشاه می‌کنند. در دوران حکومت پنجاه ساله ناصرالدین‌شاه نیز چنین شد. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه فرزند حاجب‌الدوله، قاتل امیرکبیر، مؤلف چندین کتاب و چند روزنامه در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه بود. یکی از کتاب‌های مشهور تاریخی وی صدرالتواریخ نام دارد که بسیاری از تاریخ‌نگاران برای بررسی تاریخ دوران ناصرالدین‌شاه به این کتاب مراجعه می‌کنند. در میان روزنامه‌هایی که اعتمادالسلطنه منتشر نمود روزنامه شرف از شهرت بسیار برخوردار بود. این روزنامه از محرم سال ۱۳۰۰ هـ. ق تا ۱۳۰۹ در ۸۷ شماره منتشر گردید. آنچه را که ما در این مقدمه به آن می‌پردازیم کتاب تاریخ اوست که در چندین مورد به قائم‌مقام و امیرکبیر تهاجم کرده است.^۱

حملات تند اعتمادالسلطنه در کتاب صدرالتواریخ ابتدا به قائم‌مقام صدراعظم محمدشاه است که بسیار بیرحمانه به قتل رسید. اعتمادالسلطنه او را خودبین و متکبر می‌داند و می‌نویسد:

«خودبینی را به جایی رسانید که خود را انبیا و مرید مردم می‌شناخت و اکثر از مخلوق را بهائیم می‌پنداشت... هتاکی بسیار می‌نمود... تا رسد به جایی رسید که با احدی غذا نمی‌خورد و اظهار کراهت از هم‌غذایی مردم می‌کرد».

آنچه که اعتمادالسلطنه درباره قائم‌مقام می‌گوید دروغی نیست. بیست از همه بدتر اینکه وی چاپلوسی را تا آنجا پیش می‌برد که درباره سلطنت و پادشاهی می‌نویسد:

«سلطنت به اختیار شخصی نیست که هرکس به آن قائل شود. این رتبه مخصوصاً بسته به افاضه الهی است که در میان چندین کرور نفوس یک نفر برانگیخته می‌شود. پس با چنین کسی نباید طرف شد و به او جسارت نباید کرد که ستیزه با سلطان مثل ستیزه با

^۱ - برای آگاهی از کتاب‌ها و نشریات که توسط اعتمادالسلطنه تألیف و منتشر گردید رجوع کنید به کتاب: دکتر یوسف متولی حقیقی، پژوهشی پیرامون زندگانی، آثار و شیوه تاریخ‌نگاری محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ۱۳۸۱.

قهر و غضب الهی است. در این صورت هرکس از مقام بشریت خود تجاوز کند به مکافات خواهد رسید»^۱.

و بدینگونه اعتمادالسلطنه کشتن قائم مقام را به گونه‌ای توجیه می‌کند. اعتمادالسلطنه حتی در کتاب صدرالتواریخ خود تهاجم تنیدی همراه با دروغ‌ها و تحریف‌های بسیار به امیرکبیر دارد او پس از تعریف مختصری در صفحه ۱۹۶ کتاب خود از خیانت و خیالات شیطانی و نخوت و غرور امیر سخن می‌گوید:

«... اگر تا آخر عمر نوش کفایت را با نیش خیانت نیامیخته و اطاعت خیالات شیطانی را بر تابعت سلطانی بود، جای آن داشت که بعد از حیات مجسمه او را به فضا و ذهب رتب کرده و در هر مملکتی به یادگار گذارند و شرط احترامش را به جا آرند. افسوس که نخوت و غرورش از اوج علوی به حضيض سفلی رسانند و به واسطه سرکشی از نور رحمانی آیه فاخرجها فانک رجیم شنید».

و به این ترتیب تاریخ^۲ را و روزنامه‌نویس عصر ناصری و فرزند قاتل امیرکبیر، بزرگترین و شریف‌ترین صدراعظم برار زمین را خائن و مغرور می‌نامید.

دروغ‌ها و تندگویی‌های روزنامه‌نویس چون میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه (فرزند حاجب‌الدوله قاتل امیرکبیر) بر ایرانیان و دوستان و آگاه تأثیر چندانی نداشته است. مردم آگاه ایران زمین از خدمات امیر آگاه بوده و به وجود او افتخار می‌کنند.

پژوهشگران آگاه و تاریخ‌نگاران بالانصاف و سریف می‌دانند که تنها تاریخ‌نگاران ایرانی همچون اعتمادالسلطنه نبودند که به شخصیت والای و بزرگاتی خان امیرکبیر جسارت می‌کردند بلکه یکی از نویسندگان خارجی دوران ناصرالدین شاه در به نام ژنرال فریه، جاسوس انگلیسی که امیرکبیر او را از ایران اخراج نمود مقاله‌ای به عمل بر ضد امیر نوشت. در فصل ششم - امیرکبیر از دیدگاه خارجی - بخشی از مقاله سراسر دروغ ژنرال فریه را آوردیم. خوشبختانه امروزه مردم ایران به آنچنان آگاهی رسیده‌اند که فریب نویسندگانی چون اعتمادالسلطنه از ایران و فریه فرانسوی را نخواهند خورد.

برای فراهم آوردن این مجموعه در مدت ۷ سال از کتاب‌های بسیار استفاده کردم. فصل اول کتاب حاضر - تاریخ سلسله قاجاریه - خلاصه‌ای است از جلد پانزدهم تاریخ

^۱ - صدرالتواریخ، ص ۱۴۱.

تمدن ایران و جهان که از تألیفات اینجانب محمود حکیمی می‌باشد و توسط شرکت سهامی انتشار به چاپ شانزدهم رسید و داستان‌هایی که در فصل دوم کتاب حاضر آمده است گزینشی است از کتاب خودم به نام داستان‌هایی از زندگانی امیر کبیر که توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی انتشار یافته و اکنون به چاپ چهلیم رسیده است.

یکی از کتاب‌هایی که در فراهم آوردن این مجموعه از آن استفاده کردم کتاب امیر کبیر و دارالفنون است که مجموعه‌ای از خطابه‌های ایراد شده در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ می‌باشد که به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو تحت نظر استاد ام‌آور یوج افشار در سال ۱۳۵۴ منتشر شد. بخش‌هایی از آن در فصل پنجم کتاب حاضر امیر کبیر و دارالفنون - آمده است نخستین خطابه در این کتاب متن سخنرانی جالب نیستند و پژوهشگر معروف و مؤلف ده‌ها کتاب و مقالات ارزنده مرحوم دکتر محمدابراهیم یارنای یزی تحت عنوان طرحی از چهره امیر کبیر در ادب پارسی می‌باشد. یکی دیگر از مقالات این مجموعه، متن خطابه دکتر محمدحسین ادیب تحت عنوان یادگارهایی از دارالفنون است که متن این خطابه از نوار گفتاری استاد ادیب بدون هیچگونه تغییر و ویرایشی در کتاب ادشده آمده است و ما هم بخش‌هایی از آن را از کتاب امیر کبیر و دارالفنون نقل کردیم و آنچه قسمت‌هایی از این خطابه خنده‌آور است اما نشان می‌دهد که پس از امیر کبیر دارالفنون در زمان ناصرالدین‌شاه چگونه اداره می‌شود و چگونه جناب ملیجک یا عزیزالسلطان از روی پشت‌بام مجاور مدرسه به‌سوی آن سنگ پرتاب می‌کند! اما دارالفنون همیشه به این صورت معلوم نیست در سال‌های بعد پژوهشگرانی فرهیخته و اندیشمند در این مرکز فرهنگ - کتاب با همت امیر کبیر به‌وجود آمد تحصیل و اندیشمندانی برجسته و فعال برای سال‌ها در دارالفنون تدریس می‌کردند.

فصل ششم کتابی که در دست دارید به نگرش و داوری خارجیان اختصاص یافته است. در این فصل اظهار نظر و داوری بسیاری از افراد نظیر لیدی شیل، رابرت واتسون، ادوارد پولاک، رابرت کرزن و کنت دوگوبینو که کوشش کرده‌اند که با بی‌طرفی از نقاط مثبت و منفی امیر سخن بگویند را آورده‌ایم. اما در میان خارجی‌ها خاطرات ژان پل فریه نظامی فرانسوی که مدتی در قشون محمدشاه خدمت می‌کرده را نیز می‌خوانید. فریه از جمله صاحب‌منصبان فرانسوی بود که برای انگلستان هم جاسوسی می‌کرد. او به دستور امیر کبیر از ایران اخراج شد. فریه از آن به‌بعد شروع به نوشتن مقالاتی تند بر ضد

امیر در نشریاتی مانند ایلوستراسیون نمود. بخشی از آن مقالات که برای ترور شخصیت امیر به چاپ رسید نشان می‌دهد که جاسوسان از اقدامات اصلاح‌گرانه صدراعظم دلیر ایران به خشم آمده بودند. قسمت‌هایی از مقاله‌فریه بر ضد امیرکبیر در فصل امیرکبیر از دیدگاه خارجی‌ان آمده است. آن مقاله توهین‌آمیز، مقاله‌های روزنامه‌های انگلیسی را بر ضد دکتر محمد مصدق در دوران زمامداری آن بزرگمرد تاریخ ایران و پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را به یاد می‌آورد.

در پایان این مقدمه دوست دارم به خوانندگان عزیز بگویم که در نوشتن اسامی شهرها و کنفرانس‌ها و خارجی‌ها عیناً به همان صورتی که نویسندگان در مقاله‌های خود نگاشته‌اند، آوریم. به عنوان مثال کنفرانس مهمی را که از سال ۱۲۵۹ تا جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ هـ. ق طول کشید برخی از نویسندگان محترم آن را کنفرانس ارزنة‌الروم و برخی کنفرانس ارزرو نوشتند و من هم رعایت امانت را کرده و به همان صورتی که نویسندگان محترم نگاشته‌اند آورده‌ام.

آنچه امیرکبیر انجام داد، به آن شد که نام نیکی از او به جا بماند. پس این مقدمه را با دو بیت از اشعار شاعر بزرگ، دوستی پاک‌نهاد پایان می‌دهم که چنین سرود:

به نیکی گرای و می‌دارد بس، رستگاری همین است و بس
تو تا زنده‌ای سوی نیکی گری مگر کام یابی به دیگر سرای

و به راستی که امیرکبیر انسانی نیکی‌گرای بود

محمود حکیمی

بهمن‌ماه ۱۳۹۷